

جلسه ۱۳، تثنیه و قانون الهی

دکتر سینتیا پارکر

من دکتر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تثنیه تدریس می‌کنم. این جلسه ۱۳، تثنیه و قانون الهی است.

### مقدمه

ما کتاب تثنیه را به جز فصل‌های پایانی آن که قرار است به نوعی یادداشت‌های پایانی ما در مورد اتفاقات اخیر باشند، تمام کرده‌ایم. از آنجایی که قبلاً در مورد پایان قانون و این مراسم تصویب پیمان و این رویدادهایی که بنی‌اسرائیل پس از ورود به سرزمین موعود در آنها شرکت خواهند کرد، بحث کردیم، اکنون زمان مناسبی است که لحظه‌ای مکث کنیم و در مورد آنچه از طریق کتاب تثنیه آموخته‌ایم، فکر کنیم.

### مضامین تثنیه

بنابراین، تثنیه مضامین مختلفی را در اختیار ما قرار داده است. البته یکی از موارد مهم این است که خدا با قوم خود در ارتباط است و بین آنها پیمانی وجود دارد. و بنابراین، ما این شروط را داریم. اینها کارهایی هستند که باید انجام دهید تا اوضاع برای شما خوب پیش برود. و ما این تصویر را از همه چیزهایی که می‌تواند در سرزمین خوب پیش برود، در صورت پایبندی به پیمان و قوانینی که خدا به قوم خود داده است، داریم. ما متوجه شده‌ایم که بنی‌اسرائیل در صحنه جهانی هستند که هرگز نمی‌توانند بیرون بروند و جهان را فتح کنند. سرزمین آنها از این امر پشتیبانی نخواهد کرد. اما جهان از طریق آنها می‌آید و تعاملی بین بنی‌اسرائیل و مردم اطراف آنها وجود دارد.

بنابراین، با در نظر گرفتن برخی از این مفاهیم، نباید خیلی تعجب‌آور باشد که تثنیه ارتباط بسیار نزدیکی با چندین کتاب در کتاب مقدس عبری دارد، و به نظر من به ویژه با برخی از کتب نبوی.

### تثنیه و روایت‌های تاریخی

قبلاً وقتی داشتیم درباره تاریخ، نگارش تثنیه، صحبت می‌کردیم، اشاره کردیم. و من از آقایی به نام مارتین نات نام بردم. ایده او این بود که تثنیه قرار است پیشگفتار یا مقدمه‌ای بر کتاب‌های تاریخی باشد که از یوشع شروع می‌شوند و تا پادشاهان ادامه می‌یابند، زیرا در سراسر روایت‌های تاریخی اشارات زیادی به این موضوع وجود دارد که در آنها افراد بر اساس میزان پایبندی‌شان به عهد با خدا، خوب یا بد نامیده می‌شوند.

### تثنیه و هوشع

بنابراین، از این نظر، تثنیه تأثیر بسیار زیادی بر نحوه‌ی خوانش روایت‌های تاریخی ما دارد. اما در مورد برخی از کتاب‌های دیگر چطور؟ ما مجموعه‌ای از نوشته‌های پیامبران را داریم. می‌خواهم به برخی از آنها اشاره کنم و با شما در مورد اینکه چگونه چندین موضوعی که این پیامبران مطرح می‌کنند، در نهایت، موضوعاتی هستند که ما قبلاً آموخته‌ایم، مطالعه کرده‌ایم و به دلیل این مطالعه‌ای که در کتاب تثنیه انجام داده‌ایم، باید برای شما آشنا به نظر برسند، تأمل کنم.

اولین کسی که می‌خواهم به او اشاره کنم هوشع است. بنابراین، هوشع یکی از آنهاست و ما او را پیامبر کوچک می‌نامیم، که به هیچ وجه به این معنی نیست که رسالت او کوچک بوده است. این فقط به این معنی است، که او یکی از پیامبران واقعاً بزرگی نیست که مجموعه بزرگی از آثار مرتبط با نام او داشته باشد. بنابراین پیامبران بزرگ یا پیامبران بزرگ افرادی مانند اشعیا، ارمیا و حزقیال خواهند بود. هوشع متعلق به کتاب دوازده است. بنابراین، نوشته‌های هوشع جمع‌آوری شده است، یا گفته‌های هوشع جمع‌آوری و نوشته شده است.

ما نمی‌دانیم هوشع اهل کجاست. شهری که او اهل آن باشد را نمی‌شناسیم، اما می‌دانیم که او اهل پادشاهی شمالی اسرائیل است. بنابراین، از نظر تاریخی، ما در نقطه‌ای از زمان هستیم که پادشاهی شمالی و پادشاهی جنوبی از یکدیگر جدا شده‌اند. بنابراین، هوشع بخشی از پیامبرانی است که به پادشاهی شمالی اسرائیل فرستاده شده‌اند.

یکی از مضامینی که او مطرح می‌کند و درباره آن صحبت می‌کند، شفقت الهی خداوند است. بنابراین دو فصل اول کتاب هوشع در مورد این است که چگونه خداوند عشق پایدار و اساسی به قوم خود دارد، حتی زمانی که آنها از او رویگردان می‌شوند. ما این را در خود هوشع و همسر فاحشه‌ای که او برای رفتن و ازدواج با او فراخوانده شده است، نشان می‌دهیم. بنابراین حتی در زندگی هوشع و اصرار او برای دوست داشتن او و ماندن در ازدواج با او، قرار است نمونه‌ای از چگونگی حفظ رابطه خداوند با قوم خود باشد، حتی زمانی که آنها به دنبال خدایان دیگر می‌روند.

ما همچنین در کتاب هوشع این ایده را داریم که فراموش کردن خدا و دنبال کردن خدایان دیگر رفتن، و این ایده که خدا به دنبال کردن قوم خود ادامه خواهد داد. بنابراین، هوشع پادشاهی شمالی اسرائیل را به خاطر آوردن و تطبیق پرستش خدایان دیگر سرزنش می‌کند.

هوشع خیلی سریع پادشاهی شمالی را به خاطر داشتن معابد متعدد برای خدایان دیگر و قربانگاه‌های متعدد برای خدایان دیگر سرزنش می‌کند. همچنین این ایده وجود دارد که مشکلاتی از اختلاط با مردم وجود دارد. بنابراین، همه اینها مواردی هستند که تثنیه نیز به آنها پرداخته است. این ایده که فقط یک خدا وجود دارد و

او تنها خداست، اینکه مردم باید یک قربانگاه در مکان انتخاب شده داشته باشند و اینکه نباید با گروه‌های دیگر مردم اختلاط داشته باشند تا مبادا قلب آنها یا قلب بنی اسرائیل منحرف شود.

هوشع همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که هیچ خدای دیگری جز یهوه وجود ندارد. حسد همان چیزی است، که مطلوب است. بنابراین حسد آن کلمه عبری است که با عشق عهد و پیمان مرتبط است. حتی گسترده‌تر این مهربانی عاشقانه است، این نوع عشق ناشی از ناراحتی است. این نوع عشقی است که در ده فرمان آمده است که خدا عشقی ناشی از احتیاط به قوم خود دارد. آن عشق پایدار، عشق ناشی از ناراحتی. و در کتاب هوشع، تنها چیزی که خدا می‌خواهد عشق ناشی از احتیاط در عوض است. این آشنا به نظر می‌رسد زیرا در کتاب تثنیه، بارها و بارها این تکرار را داریم که آنچه خدا از قومش می‌خواهد این است که او را دوست داشته باشند و از احکام او پیروی کنند. بنابراین، آن نوع عشقی که در آنجا بیان شده است، حسد شده است.

ما همچنین، در کنار این شفقت الهی، آن را در همان ابتدای کتاب هوشع به شکل رابطه زن و شوهری می‌بینیم. فصل‌های پایانی کتاب هوشع درباره عشقی که خدا به پسرش می‌دهد صحبت می‌کند. بنابراین، دوباره ما اسرائیل را داریم که به عنوان پسر خدا ظاهر می‌شود و نمونه عشقی که خدا دارد مانند پدری به پسرش است این نیز بسیار شبیه به تثنیه است، حتی از همان فصل‌های آغازین کتاب تثنیه، جایی که وقتی موسی در مورد بازگویی تاریخ داستان‌شان صحبت می‌کند، می‌گوید، حتی در بیابان، خدا پدری بود که پسرش را در بیابان برداشت و حمل کرد. بنابراین، این ایده که رابطه و عشق بین خدا و قومش مانند رابطه پدر و پسر است، در کتاب هوشع آشکار می‌شود.

و ما تأملاتی در مورد سرود موسی یا پژواک‌هایی از سرود موسی داریم که هنوز به آنها نپرداخته‌ایم اما در سخنرانی بعدی به آنها خواهیم پرداخت. اما در سرود موسی و هوشع، در واقع شباهت‌های بسیار نزدیکی وجود دارد.

قرار است در ادامه درباره عاموس صحبت کنیم، اما قبل از اینکه بحث را با هوشع تمام کنیم، می‌خواهم اشاره کنم که چیزهای زیادی بین هوشع و کتاب تثنیه - و همچنین در عاموس - وجود دارد که به هم شباهت دارند. عاموس تقریباً مربوط به همان دوره زمانی هوشع است. بنابراین، از آنجایی که هوشع و عاموس ارتباط نزدیکی با کتاب تثنیه دارند، برخی از محققان اظهار داشته‌اند که هوشع و عاموس، این نوشته‌ها و رسالت این دو پیامبر ابتدا وجود داشته‌اند و تثنیه در واقع زبان هوشع و عاموس را قرض گرفته است، زیرا تثنیه در حال نگارش است. این یکی دیگر از عوامل پیچیده‌ای است که ما را در تلاش برای فهمیدن اینکه چه کسی کتاب تثنیه را نوشته و چه کسی واقعاً آن را نوشته است، درگیر می‌کند.

حالا نکته جالب این است که هوشع اهل پادشاهی شمالی اسرائیل است. و کتاب تثنیه مرکزی بر شمال دارد. بنابراین، همانطور که در طول این سخنرانی‌ها به طور مداوم در مورد تثنیه و مکان برگزیده صحبت کرده‌ایم، من نامی از مکان برگزیده نبرده‌ام. در واقع فکر نمی‌کنم تثنیه نام مکان دقیق مکان برگزیده را مهم بداند. فکر می‌کنم تثنیه سعی دارد بگوید که این مکان برگزیده، صرف نظر از اینکه کجا باشد، نحوه ساختار سرزمین است. بنابراین، یک مکان و یک خدا در مرکز وجود دارد و همه زیر آن چتر قرار می‌گیرند. اما بسیاری از محققان، و اگر تفاسیر کتاب تثنیه را بخوانید، می‌گویند که مکان برگزیده، بدیهی است که اورشلیم است زیرا معبد در نهایت در اورشلیم ساخته می‌شود. و اغلب، در تفاسیر، به جای استفاده از عبارت مکان برگزیده، در واقع از کلمه "اورشلیم" استفاده می‌کنند.

خب، من از این استدلال قانع نشده‌ام. این و این واقعیت که وقتی تثنیه در مورد رفتن به سرزمین و تصویب عهد صحبت می‌کند، ایده‌هایی که ما در سخنرانی قبلی در مورد آنها صحبت کردیم و در سخنرانی مربوط به تثنیه ۱۱ در مورد آنها صحبت کردیم، این عهد در شمال عیال و جرزیم در قلمرو پادشاهی شمالی اسرائیل منعقد می‌شود. در واقع تأکید زیادی بر بخش شمالی سرزمین وجود دارد.

و بنابراین کسانی که می‌گویند تثنیه تا زمان یوشیا، به عنوان پادشاه، نوشته نشده بود، از تشخیص این نکته غافلند که تأکید زیادی بر بخش شمالی سرزمین وجود دارد، زیرا تا زمان یوشیا، آن بخش شمالی سرزمین قبلاً توسط آشور به تبعید برده شده بود.

حالا به طور بالقوه، و این یک استدلال بسیار رایج است، که شاید کسانی که کتاب تثنیه را نوشتند یا در واقع کلمات آن را نهایی کردند و آن را نوشتند، کاهنان و لایوان اصلی پادشاهی شمالی اسرائیل یا مجموعه‌ای از کاتبان بودند که سپس به اورشلیم مهاجرت کردند. و بنابراین، آنها شروع به نوشتن تمام قوانین مختلفی کردند که بر اصلاحات یوشیا تأثیر می‌گذارد. بنابراین، همه اینها احتمالات هستند. اما باز هم، برای تمرکز بر شمال و صحبت در مورد اینکه شمال چقدر تأثیرگذار است و تثنیه سرزمین‌های شمالی این سرزمین را نادیده نمی‌گیرد ما هوشع را داریم که اهل شمال است و در پادشاهی شمالی اسرائیل کار می‌کند و ارتباط بسیار نزدیکی با کتاب تثنیه دارد.

بنابراین، یا نوشته‌های هوشع مقدم هستند و تأثیر زیادی بر نگارش تثنیه داشته‌اند، یا تثنیه از قبل وجود داشته است. این کتاب قبلاً مدون شده است، و برخی استدلال می‌کنند که این موضوع در دوران سلطنت متحد یا در بخش‌های اولیه پادشاهی، زمانی که همه بنی‌اسرائیل هنوز یکی در نظر گرفته می‌شدند، رخ داده است.

بنابراین فقط برای اطلاع شما، هوشع، به عنوان یک پیامبر شمالی، ارتباط بسیار نزدیکی با کتاب تثئیه دارد. به نظر می‌رسد که آنها از وجود یکدیگر آگاه هستند.

### تثئیه و عاموس

خب، در مورد عاموس چطور؟ عاموس هم همزمان با هوشع بود، با این تفاوت که عاموس اهل پادشاهی جنوبی یهودا است. بنابراین، او اهل تقوا، شهری در جنوب بیت‌لحم، است. عاموس یک پیامبر حرفه‌ای نیست. او کشاورز و چوپان است، با این حال خدا او را فراخواند و گفت که به شمال برود تا این پیام را به پادشاهی شمالی اسرائیل برساند.

در کتاب عاموس، چندین مضمون مختلف می‌بینیم. تکرار مکرر چگونگی بیرون آوردن بنی اسرائیل از مصر و دادن سرزمین به آنها. این باید برای شما مانند یک مضمون بسیار قدیمی به نظر برسد زیرا در کتاب تثئیه بسیار به آن پرداخته شده است.

عاموس پادشاهی شمالی اسرائیل را به خاطر فخر فروشی نادرستشان در مورد قدرت خودشان سرزنش می‌کند. و همچنین، تثئیه با دقت می‌گوید، فکر نکنید؛ به یاد داشته باشید وقتی فرمول ریاضی کوچک خود را از تثئیه ۹ انجام دادیم، فکر نکنید که به خاطر پارسایی خود وارد می‌شوید، زیرا اگر واقعاً به درستی به یاد داشته باشید، در گذشته سرکش بوده‌اید. شما اینجا هستید زیرا خدا کسی است که وفادار است، و بنابراین از روی عشق به خدا پاسخ دهید. خب، عاموس این را می‌گیرد و می‌گوید، خب، شما پادشاهی شمالی اسرائیل، شما به ناحق فخر می‌فرشوید. شما برای چیزی که شایسته آن نیستید، اعتبار می‌گیرید.

آنها همچنین به خاطر پرستش خدایان دیگر خارج از یهوه، خدای یگانه، سرزنش خواهند شد. و در قلب عاموس، به همین دلیل است که من کتاب عاموس را خیلی دوست دارم، اخلاق اجتماعی قرار دارد. این در قلب پیام اوست و ما می‌بینیم که او چقدر از اخلاق اجتماعی پادشاهی شمالی اسرائیل نگران است.

بنابراین، در پادشاهی شمالی اسرائیل در این زمان، آنها خود را به گونه‌ای ساختار داده‌اند که پادشاه در اوج، در صدر، قرار دارد، جایی که خراج‌ها و عشریه‌های بسیار سنگینی از جامعه گرفته می‌شود. این امر معیشت بسیار ثروتمندی را برای تعداد بسیار کمی از افراد در صدر، یعنی طبقه بالای جامعه، فراهم می‌کند. و عاموس این را به شدت سرزنش می‌کند.

خب، دوباره، بعد از تثئیه، ما قوانین بسیار متفاوتی را در فصل ۱۵ و سپس در برخی از فصل‌های پراکنده در ۱۹ و ۲۵ دیده‌ایم که در مورد نوع مناسب اخلاق اجتماعی صحبت می‌کنند. نه اینکه همه باید از

ثروت یکسانی برخوردار باشند، اما باید به افرادی که در حاشیه جامعه هستند توجه داشته باشید. عاموس مردم را به خاطر عدم رعایت این موضوع سرزنش می‌کند. عاموس همچنین این ایده را تکرار خواهد کرد که ما به دنبال عدالت و درستکاری هستیم. ما این را در تثنیه ۱۶ شنیده‌ایم.

عاموس همچنین قرار است آن سه‌گانه‌ی «ر» را که در آخرین سخنرانی‌مان در تثنیه در موردشان صحبت کردیم، تکرار کند: توبه، بازگشت، و احیا امکان‌پذیر است. بنابراین، عاموس با نکته‌ای مثبت به پایان می‌رساند؛ احیا امکان‌پذیر است. و این به معنای روی گرداندن از کارهایی است که به اشتباه انجام می‌دادید تا خدای حقیقی یگانه‌تان را که شما را از مصر بیرون آورد، به یاد آورید.

### **تثنیه و میکاه**

خب، نه تنها عاموس، بلکه میکاه. بنابراین، میکاه نیز یکی از پیامبران کوچک محسوب می‌شود. میکاه اهل کوهپایه‌های یهودیه است. او اهل منطقه شفله، سرزمین‌های پست، در غرب اورشلیم است. پیام او در درجه اول خطاب به حاکمان اورشلیم است. بنابراین، تمرکز او بر پادشاهی جنوبی است.

یکی از پیام‌های مهم او این است که رهبران از در ماندگی فقرا سوءاستفاده می‌کنند. ما همچنین ایده‌هایی از بت‌پرستی و تصاویری داریم که حتی در اورشلیم مشکل‌ساز بوده‌اند. بنابراین، حتی در خارج از معبد اورشلیم، حتی در جامعه اورشلیم، مشکلاتی در رابطه با بت‌پرستی وجود دارد.

خب، ما در کتاب تثنیه نه تنها ممنوعیت شدیدی علیه خدایان دیگر، بلکه در مورد ایده رهبری نیز دیده‌ایم. وقتی در مورد رهبران صحبت کردیم، در مورد رهبرانی صحبت کردیم که از مردم و در میان مردم هستند. آنها ستون‌ها، ستون‌های محکم، نمونه‌هایی از نحوه رفتار همه مردم در برابر خدا هستند. این یک سیستم رهبری نیست که با یک پادشاه در راس آن ساخته شده باشد. در واقع، تثنیه تا حدودی نقش پادشاه را کاهش می‌دهد و او را در میان برادرانش قرار می‌دهد.

### **تثنیه و اشعیا**

بنابراین، ما شروع به دیدن این مضمون در میکاه و اشعیا نیز می‌کنیم. بنابراین، میکاه و اشعیا معاصر هستند. بنابراین، اگر به اشعیا نگاه کنیم، که او نیز با پادشاهی جنوبی یهودا صحبت می‌کرد و عمدتاً به اورشلیم می‌نوشت، دوباره مضامین آشنایی را می‌بینیم. یهوه خدای یگانه است و مردم به دلیل پیروی نکردن از خدا سرزنش می‌شوند. اشعیا می‌گوید که نقض آشکار قانون عهد وجود دارد و مردم را سرزنش می‌کند زیرا آنها از

واسطه‌ها و پیامبران دروغین، پیشگویان و فالگیران آینده استفاده می‌کنند. و همه اینها برای قوم اسرائیل ممنوع بوده است.

، او همچنین بی‌عدالتی و قانون ظالمانه را محکوم می‌کند. اشعیا، و فکر نمی‌کنم منظور من اینجا باشد اما اشعیا همچنین مردم را تشویق می‌کند که این قربانی‌های آیینی نیست که خدا به دنبال آن است. این اعمالی است که قلب مردم را نشان می‌دهد.

ما این را در تثنیه دیده‌ایم، جایی که تثنیه همیشه به مردم می‌گوید که به یاد داشته باشند، نه شریعت، بلکه به یاد داشته باشند که خدا کیست. و سپس به آن خاطره به گونه‌ای پاسخ دهند که خدا را دوست داشته باشند و بپرستند. بنابراین، دعوت به عمل، عملی برای تقلید از خداست، نه ملت‌های اطرافشان.

در کتاب اشعیا، ما همچنین این ایده را دریافت می‌کنیم که صهیون یا اورشلیم در واقع بیشتر شبیه سدوم و عموره است. بنابراین، ما این هشدار را در فصل آخر تثنیه دیدیم که در آیات ۲۹ و ۳۰ به آن پرداختیم. ایده این است که سرزمین اسرائیل، یکی از نفرین‌ها این است که به گوگرد و نمک تبدیل خواهد شد، سرزمینی که یادآور سدوم و عموره است و اینکه چگونه بخشی از این مفهوم، ظلم و ستم مردم در آن شهرها است.

ارمیا می‌گوید که شما از مجازات فرار نمی‌کنید زیرا اورشلیم شبیه سدوم و عموره شده است. بنابراین او در اینجا از همان نقطه مرجع استفاده می‌کند. اشعیا نیز به دنبال روزی بهتر خواهد بود، که دوباره همان امید، به بازسازی است که در پایان کتاب تثنیه می‌بینیم. و باز هم، سرود موسی، که در سخنرانی بعدی خواهد بود تقریباً کلمه به کلمه در اشعیا آمده است.

## تثنیه و ارمیا

حال یکی دیگر از پیامبران بزرگ، ارمیا است. و تا زمان ارمیا و نگارش گفته‌ها و اعمال و خطبه‌های ارمیا، به نظر می‌رسد حداقل در این زمان، تثنیه نوشته یا مدون شده باشد. به نظر می‌رسد ارمیا از کتاب تثنیه خبر داشته است. بنابراین، دوباره، چندین بازتاب مختلف را در مورد این کتاب می‌بینیم.

ارمیا ۷ فصل فوق‌العاده‌ای است که در مورد مشروط بودن واقعی عهد صحبت می‌کند. بنابراین، خدا ممکن است عهدی از عشق، هسید، برای قوم خود داشته باشد. او بسیار پیگیر است، اما این عهدی که آنها پذیرفته‌اند، با مردمی همراه است که ملزم به انجام عملی مشابه، و پاسخ به خدا به شیوه‌ای خاص هستند. در ارمیا، می‌بینیم که ساکنان اورشلیم فقط روی این واقعیت حساب می‌کردند که معبد در اورشلیم است، و بنابراین ۷،

بنابراین، بابلی‌ها آنها را نخواهند کشت زیرا خدا اجازه نمی‌دهد خانه‌اش ویران شود. ارمیا می‌گوید خدا به اندازه‌ای که به قلب شما اهمیت می‌دهد، به خانه‌اش اهمیت نمی‌دهد. و بنابراین، اگر بیرون می‌روید و همه این احکام را در یک روز زیر پا می‌گذارید و در پایان روز، به معبد می‌روید و می‌گویید: "اوه، اما خدا اینجاست!" این برای نجات شما کافی نیست.

ارمیا اغلب این ایده را تکرار می‌کند که آنچه خدا می‌خواهد این است که قلب‌های مردم ختنه شود و اینکه نشانه درونی عهد، نرمی قلب است. ارمیا همچنین در مورد استراحت روز سبت زیاد صحبت کرد. در واقع، ارمیا می‌گوید بخشی از تبعید مردم به بابل به این دلیل است که مردم استراحت و خود سرزمین را رعایت نکرده‌اند، که به یکی از شخصیت‌های کتاب ارمیا تبدیل می‌شود؛ سرزمین زنده و پویا است، اما آن سرزمین از استراحت روز سبت خود لذت نبرده است. بنابراین، مردم به تبعید برده خواهند شد.

ارمیا همچنین به مردم در مورد سوءاستفاده از فقرا هشدار می‌دهد. ارمیا همچنین اورشلیم را با سدوم و عموره مقایسه می‌کند. و ارمیا از عبارت «سرزمین شیر و عسل» استفاده می‌کند. این عبارت در واقع یک عبارت رایج در اسفار پنجگانه است. ما آن را در کتاب خروج می‌بینیم؛ چند بار در اعداد نیز آن را می‌بینیم. تشبیه عاشق این عبارت است و از آن برای صحبت در مورد کیفیت زمینی که آنها وارد آن می‌شوند، زیاد استفاده می‌کند. ما دیگر این عبارت را در روایت‌های تاریخی نمی‌بینیم. استفاده نمی‌شود. به نوعی از مد افتاده است، عبارت متفاوتی وجود دارد که به عنوان یک عبارت مختصر برای سرزمینی که در حال رونق و پیشرفت است استفاده می‌شود. اما ارمیا آن را بازیابی می‌کند و دوباره آن را قرض می‌گیرد. و دوباره، او از اصطلاح «سرزمین پر از شیر و عسل» یا «سرزمینی که از شیر و عسل فوران می‌کند یا تراوش می‌کند» استفاده می‌کند. ارمیا ۲ نیز با سرود موسی ارتباط دارد.

### تشبیه و مزامیر و امثال

حالا می‌توانیم تمام مزامیر، امثال و همچنین این ارتباطات را بررسی کنیم. بنابراین، مضامین بسیار مشابهی وجود دارد. اول، اگر بخواهیم کتاب امثال را بررسی کنیم، امثال آموزه‌ای است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. حکمت شما از کجا آمده است؟ اینها سخنان حکیمانه و نحوه عمل کردن و عمل نکردن هستند. این بسیار شبیه به قوانین تشبیه است و همچنین کاملاً شبیه به تشبیه در فصل‌های ۶ و ۱۱ است. بسیار خاص است که بگوئیم والدین باید به فرزندان خود بیاموزند که انتقال و انتقال این آموزه‌های مهم یک مسئولیت فردی است. تشبیه می‌گوید: "این آموزه‌ها هستند که حکمت شما هستند." بنابراین در امثال، ما نه تنها بر آموزش کودکان تأکید ۴

داریم، بلکه به این شناخت نیز رسیده‌ایم که این قوانین در این احکام، حکمت شما هستند و به یک وجود انسانی کامل منجر می‌شوند.

کتاب امثال همچنین درباره تربیت فرزندان صحبت می‌کند، جایی که ایده تربیت، خود-اصلاحی خود-بازداری و سلطه بر امیال خود است. تثنیه نیز همین کار را می‌کند. تثنیه درباره آن صحبت می‌کند، همانطور که پدری فرزندش را تربیت می‌کند، همانطور که خدا، پدر، فرزندش، پسر اسرائیل، را تربیت یا پرورش می‌دهد.

ضرب‌المثل‌ها در قالب روابط انسانی بین والدین و فرزندان از آن صحبت می‌کنند.

### تثنیه و عهد جدید

عهد جدید نیز تا حد زیادی به تثنیه برمی‌گردد. و این را من از همان ابتدا ذکر کردم زیرا گفتم یکی از دلایلی که باید تثنیه را مطالعه کنیم این است که یکی از چهار کتاب عهد عتیق است که بیشترین نقل قول را در عهد جدید دارد. برخی از این موارد را قبلاً در سخنرانی‌های مختلف در تثنیه ذکر کرده‌ام. همه انجیل‌ها تک تک ده فرمان را تأیید می‌کنند. آموزه‌هایی در مورد سبب وجود دارد؛ آموزه‌هایی در مورد احترام به خدا و فقط خدا وجود دارد. آموزه‌هایی در مورد احترام به والدین، در مورد طمع نکردن وجود دارد. بنابراین انجیل‌ها به طور کلی ده فرمان را که در تثنیه ۵ بود، تأیید می‌کنند.

ما درباره عیسی و چهل روز حضورش در بیابان صحبت کردیم و اینکه چقدر دوست دارم عیسی را در حال تأمل، بازگو کردن، تجسم و تفکر در مورد کلمات تثنیه تصور کنم، زیرا وقتی او وسوسه می‌شود، همه پاسخ‌هایش از کتاب تثنیه بیرون می‌آید.

او کسی مانند موسی است. این ایده موعظه بالای کوه از انجیل متی نیز چیزی است که من در سخنرانی قبلی به آن اشاره کردم. عیسی به گونه‌ای تنظیم شده است که شبیه آن پیامبر بزرگی باشد که تثنیه ۱۸ نوید آن را می‌دهد، و همانطور که موسی شخصیتی بسیار تأثیرگذار برای بنی‌اسرائیل بود، عیسی نیز به عنوان کسی که شبیه موسی است، یعنی کسی که واسطه بین خدا و مردم است، تنظیم شده است. او کسی است که می‌تواند بیاید و در واقع قلب‌ها را در خواسته‌های خدا برای مردم توضیح دهد.

### تثنیه و پولس

بدیهی است که بین عشق و انجام فرامین ارتباطی وجود دارد. و برخی از این موارد نه تنها در انجیل‌ها، بلکه در نوشته‌های پولس نیز آمده است. یا حتی می‌توانیم بگوییم که کتاب اعمال رسولان، لوقا-اعمال رسولان، و سپس بعداً در نوشته‌های پولس نشان می‌دهد که در واقع آنها تا حد زیادی بر لطف خدا، عشق خدا

تمرکز می‌کنند، اما همیشه مردم را به عمل مشابه فرا می‌خوانند. ما به کتاب رومیان فکر می‌کنیم، و به رساله یعقوب فکر می‌کنیم؛ همه آنها بر این واقعیت تأکید دارند که شما فقط به چیزی اعتقاد ندارید، این فقط دانش ذهنی نیست، بلکه چیزی است که شما به آن اعتقاد دارید، که سپس با اعمالی که انجام می‌دهید و در پاسخ به آن انتخاب می‌کنید، نشان داده می‌شود.

پولس در تثنیه بسیار متبحر است، که نباید تعجب‌آور باشد. خود پولس می‌گوید که او فریسی فریسیان است، به این معنی که او بخش عمده‌ای از عهد عتیق را از حفظ بوده است. او بسیاری از آموزه‌های شفاهی خاخام‌های زمان خود را از حفظ بوده است. او با متن بسیار آشناست. او نه تنها تمایل دارد از نقل قول‌هایی از تثنیه، بلکه حتی از ساختار کتاب برای ساختار برخی از نوشته‌های خود استفاده کند.

## منبع

بنابراین، همانطور که می‌بینیم، تثنیه همه جا هست، و یک کتاب مدرن بسیار جدید از جیمز میشرن وجود دارد. منظورم از جدید، منظورم این است که متن کتاب مقدس نیست. الان چند دهه از آن می‌گذرد. نام کتاب «منبع» است. و این داستان باستان‌شناسان است، یکی از باستان‌شناسان اصلی آمریکایی است و دیگری اسرائیلی. بنابراین، یکی واقعاً یهودی است و آمریکایی، به گمانم، کاتولیک است. اما داستان، داستانی تخیلی، از گرد هم آمدن آنها در سرزمین اسرائیل برای کاوش در تاریخ و آشکار کردن لایه‌های تاریخ است. در کتاب گفتگوی واقعاً جالبی بین این دو باستان‌شناس وجود دارد، زیرا یکی، آمریکایی، رو به اسرائیلی می‌کند و می‌گوید: «نمی‌دانم چرا باید بخواد کتاب تثنیه را بخواند. و اسرائیلی، باستان‌شناس یهودی اسرائیلی، رو می‌کند و می‌گوید: «آه، اما وقتی کتاب تثنیه را می‌خوانم، می‌توانم ارواح گذشته اجدادم را ببینم که در این سرزمین قدم می‌زنند.» «این کتاب در قلب عبادت ماست.» و او به آمریکایی می‌گوید برو کتاب تثنیه را چهار بار بخوان و بعد برگرد و بیا این مکالمه را داشته باشیم. و آمریکایی می‌رود و کتاب تثنیه را چهار بار می‌خواند و در پایان متوجه می‌شود که این کتاب نه تنها در هسته باورهای یهودی است، بلکه در هسته باورهای مسیحی او نیز قرار دارد.

## نتیجه‌گیری

و بنابراین، همانطور که دیدیم، تثنیه ارتباط تنگاتنگی با سایر نوشته‌ها، نوشته‌های تاریخی، نوشته‌های انبیا و نوشته‌های عهد جدید دارد. این یک دانش عمومی بود.

و بنابراین، دوباره، فقط به عنوان یک تشویق برای شما، هر چه بیشتر تثنیه را بخوانیم و بفهمیم، بیشتر قلب خدا و قلبی را که او از قوم خود می‌خواهد، درک می‌کنیم.

من دکترا سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تنبیه تدریس می‌کنم. این جلسه ۱۳، تنبیه و قانون الهی است